

## مهدویت و موعودگرایی

### جلسه چهارم

### موضوع: استنادات تشکیل حکومت اسلامی

#### بسم الله الرحمن الرحيم

#### الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سوال این است که آیا ما را جع به تشکیل حکومت اسلامی ادله و استنادی داریم؟

سوال خوبی است؛ ما میتوانیم مطلب را درون دینی جواب دهیم بر اساس روایاتی که از پیامبر عظیم الشان اسلام رسیده است هم از نظر عقلی و احيانا متفکرانی که در اینباره حرفی زده اند.

ما می توانیم به آیاتی از قرآن اشاره کنیم که حکومت واحد مهدوی را اشاره می کند: مثل آیه 105 سوره مبارکه انبیاء: ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون ...

ذیل این آیه مبارکه هم در متون اهل سنت هم شیعه روایاتی داریم که از پیامبر اسلام و در متون شیعه از امام باقر علیه السلام که تفسیر می کنند به اصحاب حضرت مهدی علیه السلام .. و برخی معتقدند که در واقع این آیه ، هنوز تاویلش نیامده است و طبیعتا در زمان ظهور منجی کل تحقق خواهد یافت.

یا سوره مبارکه نور: آیه 55؛

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و یا این آیه:

وَأُورَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

در واقع با این آیات خدای متعال وعده یک حکومت جهانی را می دهد.

و یا این حدیث پیامبر ص:

قال رسول الله، الأئمة بعدي اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب و آخرهم القائم فهم خلفائي وأوصيائي وأوليائي و حجج الله على أمتي بعدي، المقر بهم مؤمن والمنكر لهم كافر.

و یا در روایتی دیگر هست که حضرت اسامی تمام ائمه را به جابر بیان می کنند و این احادیث در منابع اهل تسنن هم آمده است. و یا در حدیثی دیگر آمده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أُولُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ - تَعَالَى نِكْرَهُ - عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا

در هر صورت با توجه به این آیات و روایات حکومت جهانی مهدی در واقع امر وعده داده شده ای است .

و طبیعتا بر مهدویت هم تطبیق دارد .....البته بسیاری از مشکلات به خاطر تعدد حکومت ها است گرچه حکومت واحد هم بی مشکل نیست.

آلبرت انیشتین می گوید: دنیا تا به حکومت واحد نرسد، جنگ و دعوا و نابرابری و نابرداری از او رخت نخواهد بست .

شبيه اين تعبير را هم راسل دارد: مادام که یک حکومت جهانی در دنيا وجود ندارد رقابت برای کسب قدرت ما بين کشورهای مختلف وجود دارد؛

باز کانت تعبيری در اين باره دارد؛ ايجاد نظم منوط به وضع یک قانون جهانی است؛ اين همان است که مذاهب آنرا خواسته اند. و اين همان است که پیامبران از دوران پس کهن برای تحقق بخشیدن به آن به پا خاسته اند و خروش برآورده اند و بدین گونه خواستند که روشننگر تاریکیها باشند.

هر عقل مسلمی معتقد است که اگر این مرزها و تبعیض ها از بين برود، این نظامی گری ها از بين برود مشکل حل خواهد شد که البته این کا رصرفا با یک حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت.

بنابراین من فکر می کنم برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی هم از آیات و هم از روایات هم از عقل می توان استفاده کرد. و از اینها استنباط نمود.

تا بحث از حکومت جهانی مهدوی به میان می آید، دو مشکل خود را نشان میدهد.

یکی این است که آیا انسان ها تمکین می کنند؟

و سوال این است که این همه تفاوت ها در ملیت ها چگونه می خواهند ظل حکومت واحد مهدوی جمع شوند؟

سوال دوم این است که یک حاکم آیا این قدر می تواند مقتدر باشد که پاسخ تمام کشورهای جهان را بدهد یا نه ؟

اگر ما در یک فضای کنونی نگاه کنیم، به نظر می رسد که مطلب همین گونه است و آسیب همچنان خود را نشان میدهد. اما اگر تصور کنیم که بشر به قدری رشد فکری می کند به قدری معنویت گرا می شود که می تواند مصالح کلان جهان را بفهمد و لازم نیست که به یک رنگ یا مرز یا عادت خاص اصرار بورزد.

در روایتی هست که امام علیه السلام وقتی ظهور می کند مردم را بالا می کشند ؛ اذا قام قائمنا یضع الله یده علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم ؛

در واقع مردم به بلوغ می رسند ... و یک فضایی ايجاد می کند که عقل ها به هم گرایش پیدا کند و صبر و بردباری در عین قدرت داشته باشد.

اگر ما چنین دنیایی را فرض کنیم به نظر شما اگر ده میلیارد پیغمبر بخواهند کنار هم زندگی کنند آیا با هم ستیزه می کنند؟ ما باید به این حکومت برسیم

ما در روایات داریم که حضرت زمانی ظهور می کنند که مردم برای آمدن یک مصلح شدیداً تشنه اند...

و باز در روایات است که مردم راه خروجی را طلب می کنند ولی پیدا نمی کنند.

می بینند تکنولوژی جواب نداد؛ میلیتاریزم جواب نداد و یا سازمان های عریض و طویل جواب نداد شاید قدری توانست التیام بیاورد اما هیچکدام نتوانست مشکلات را حل کند.

در یک جمعیتی آماده و در یک جمعیتی عاقل و حلیم که عقل ها کامل شده است امام علیه السلام می آیند. الزاما این هم نیست که اگر چنین حکومتی تشکیل شد با تمام عادات و رسوم مبارزه شود.

این طور هم نیست که وقتی حضرت می آیند با تمام داده های فکر بشری درگیر شوند.

چه بسا که بسیاری از این داده ها منشا عقلانی دارد لذا برخی که به نام علوم اسلامی انسانی سعی بر این دارند چنین رویکرد متصلبانه ای داشته باشند ؛ راه به جایی نمی برند؛ چه بسا که بسیاری از این داده ها ، اقتضای درک عقل است.

در زمان مهدویت از مزایای حکومت جهانی واحد استفاده می شود و از آسیب های احتمالی هم رها است.

با این که در زمان خلفا و بعد آنها اسلام عرصه وسیعی از کشورهای مختلف را تحت انقیاد خود در آورده بود با این که کارگزاران انسانهای صالحی نبودند قطعا در زمان امام زمان علیه السلام این جریان قدرت و قوت و وسعت بیشتری پیدا خواهد کرد . من در جلسه دیگری ویژگی های کارگزاران امام را معرفی خواهم کرد.